



ارزیابی انتقادی دیدگاه سارتر درباره مسئولیت انسان از منظر شهید صدر

محمدابراهیم نیکزاد^۱

ابوذر رجبی^۲

سیدمرتضی هاشمی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۲۴

چکیده

تحلیل از مسئولیت انسانی در مکاتبی که وجهه اصلی‌شان بحث از انسان است، امری رایج بوده و متفکران این مکاتب به این مهم توجه جدی دارند. در مکتب فکری اگزیستانسیالیسم چه از نوع الهی و چه از نوع الحادی به جهت پذیرش امانیسم، به مسئولیت انسانی پرداخته می‌شود. از سویی در اندیشه اسلامی هم در نصوص دینی و هم برداشت‌های تفسیری آن، از سوی اندیشمندان مسلمان، کرامت انسانی و توجه به ابعاد وجودی او جایگاه ویژه‌ای دارد. در پرتو همین امر مسئولیت انسانی نیز ابعاد خاصی پیدا می‌کند. تفاوت مبنایی دو اندیشه اسلامی با اگزیستانسیالیسم در مقوله مسئولیت انسانی، ما را بر آن داشت تا به ارزیابی دیدگاه یکی از متفکران برجسته این مکتب یعنی سارتر بپردازیم. در میان اندیشمندان اسلامی نیز شهید صدر محور بوده و تحلیل انتقادی را با اصطیاد از آثارشان نسبت به اندیشه‌های سارتر در سه سطح هستی‌شناختی سطح انسان‌شناختی سطح اخلاق عملی دنبال شده است. اصلی‌ترین یافته تحقیق که با روش توصیفی-تحلیلی مطرح می‌شود، آن است که بررسی تطبیقی دو دیدگاه نشان می‌دهد که اگرچه هر دو اندیشمند بر مسئولیت انسان تأکید دارند، اما مبانی و نتایج این مسئولیت کاملاً متفاوت است. سارتر انسان را در جهانی بدون خدا و پرتاب‌شده به آزادی مطلق می‌بیند، درحالی‌که شهید صدر انسان را در نظام توحیدی و به‌عنوان خلیفه خدا تفسیر می‌کند. مخلوق بودن انسان و آویختگی او سبب معناداری زندگی او شده و موجب آن می‌گردد که انسان دارای از یک نظام معرفتی درونی و نهادهای اخلاقی نفسانی برخوردار باشد و از همین منظر خود مسئول در برابر اعمال و رفتارش می‌داند.

کلمات کلیدی:

مسئولیت، سارتر، صدر، اگزیستانسیالیسم، خلافت

۱- گروه مدرسی معارف اسلامی (انقلاب اسلامی)، دانشکده مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Me_nikzad@yahoo.com

۲- گروه آموزشی مبانی نظری اسلام، دانشکده مطالعات اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. rajabi@maaref.ac.ir

۳- گروه آموزشی مبانی نظری اسلام، دانشکده مطالعات اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

seied.morteza.hashemi222@gmail.com

طرح مسئله

از مسائل مهم زندگی بشر مسئولیتی است که متوجه اوست. مسئولیت‌پذیری انسان فرع بر اراده داشتن انسان است. با این توضیح که انسان باید نسبت به اعمال ارادی خود پاسخگو باشد. مکاتب مختلف تعاریف ویژه‌ای از مسئولیت و نقش آن در زندگی انسان دارند؛ ولی همه کسانی که به مرید و مختار بودن انسان باور دارند، در اینکه مسئولیت‌پذیری در زندگی انسان نقش مهمی دارد، متفق‌اند.

این امر در ادیان الهی و به‌خصوص اسلام محور توجه است. قرآن در آیات متعددی مسئله مسئولیت‌پذیری انسان را مطرح می‌کند. مفسران هم عمدتاً ذیل این آیات به تفسیر آن پرداخته‌اند. در آیه ۳۴ از سوره اسراء می‌خوانیم: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا؛ و به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می‌شود.» (اسراء: ۳۴) در ادامه همین سوره در آیه ۳۶ آمده است که: «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا؛ و (ای انسان) هرگز آنچه را که بدان علم و اطمینان نداری دنبال مکن که چشم و گوش و دل همه مسئول‌اند.» (اسراء: ۳۶) شبیه به همین را در کریمه ۹۳ از سوره نحل داریم که: «وَلْتَسْأَلْنِ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ و یقیناً شما از آنچه انجام می‌دادید، بازپرسی خواهید شد.» (نحل: ۹۳) در ادبیات قرآنی مسئولیت را ذیل اجتماعی بودن هم می‌بینیم. البته این امر نافی مسئولیت فردی او در برابر خدا و محیط نیست. اجتماعی بودن آدمی او را بر انجام وظایف و پیگیری امور محول در جایگاه خلافت الهی می‌کشد. چراکه به‌صراحت قرآن: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...؛ و (به یاد آر) وقتی که پروردگارت فرشتگان را فرمود که من در زمین خلیفه‌ای خواهم گماشت...» (بقره: ۳۰) تبیین مسئولیت‌پذیری در اندیشه اسلامی توسط متفکرانی چون شهید صدر در آرا و اندیشه‌های بیانی و بنانی به فهم درست این آیات کمک می‌کند.

از سویی در مکاتب بشری نیز بحث انسان و مسئولیت‌پذیری او مورد توجه است. در قرن بیستم مکتب فلسفی اگزیستانسیالیسم ظهور پیدا کرد. از مؤلفه‌های مشترک همه فیلسوفان این مکتب - اعم از الهی و الحادی - پرداختن به انسان و ابعاد وجودی اوست. از جمله مفهوم‌سازی‌های ناظر به هستی انسان، مسئله مسئولیت‌پذیری اوست که در اندیشه همه متفکران این فلسفه قابل توجه است. در میان اینان سارتر با اینکه فیلسوف الحادی است، درباره انسان و این ویژگی او دیدگاه خاصی دارد. وی ذیل مسئله آزادی به مسئولیت‌پذیری انسان اشاره می‌کند و بیان می‌دارد: «اگر واقعیت داشته باشد که وجود انسان مقدم بر ماهیت اوست، انسان مسئول آن کسی است که هست... منظور این نیست که انسان مسئول فردیت خاص خود است، بلکه مسئول تمامی انسان‌هاست.» (Sartre, 1946, p. 29)

ارزیابی انتقادی دیدگاه سارتر درباره مسئولیت انسان از منظر شهید صدر/نیکزاد، رجبی و هاشمی

در این تحقیق اندیشه سارتر را درباره مسئولیت‌پذیری انسان و مؤلفه‌های و ابعاد مختلف آن توصیف و از منظر اسلام با نظر به اندیشه‌های شهید صدر مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهیم. وجه انتخاب سارتر به جهت اهمیت او و اقبالی است که به اندیشه‌هایش در غرب صورت گرفت. بررسی تطبیقی نظر شهید صدر و ژان پل سارتر می‌تواند ما را در رهیافت هرچه بهتر فهم مسئولیت انسانی، محدوده و جایگاه آن کمک کرده و ضمن تطبیق و بررسی آراء این دو دانشمند، به تفاوت رویکرد الحادی و الهی و مسئولیت انسانی در دو مکتب اسلام و اگزیستانسیالیسم راه یابیم.

پیشینه شناسی

درباره مسئله این تحقیق به صورت پراکنده چند کار صورت گرفته است؛ البته در همان موارد نیز تفاوت‌های جدی با تحقیق پیش‌رو وجود دارد. مهم‌ترین این پژوهش‌ها از این‌قرارند: احمدیانی مقدم (۱۳۹۶)^۱ به بررسی تطبیقی آزادی و مسئولیت از دیدگاه آیه الله مصباح و سارتر پرداخته است. گرامی (۱۳۸۸)^۲ به بررسی و نقد دیدگاه سارتر در ماهیت انسان پرداخته است. سعید آزادمنش (۱۳۹۶)^۳ ماهیت و قلمرو مسئولیت انسان از دیدگاه سارتر و رویکرد اسلامی عمل را مورد توجه قرار داده است. قمی و کتابی (۱۳۹۵)^۴ نیز به بررسی تطبیقی آزادی از نگاه مطهری و سارتر پرداخته‌اند. در مورد شهید صدر نیز پژوهش مستقلی در مورد نگاه ایشان به مسئولیت انسانی انجام‌نشده است فقط جمشیدی (۱۳۷۸)^۵ نظریه خلافت عمومی انسان در اندیشه سیاسی محمدباقر صدر را بررسی کرده است که به صورت ضمنی به مسئولیت انسانی نیز اشاره‌ای داشته است؛ اما هیچ پژوهش مستقلی در مورد مسئولیت انسان از نظر سارتر و شهید صدر صورت نگرفت. این در حالی است که مسئولیت هم در نگاه سارتر و هم در دیدگاه صدر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که هدف این پژوهش ارزیابی انتقادی رویکرد سارتر درباره مسئولیت انسانی، مؤلفه‌ها و کارکردهای آن است. اگرچه در پرتو این امر وجوه افتراق و امتیاز مسئولیت انسانی از منظر این دو متفکر به دست می‌آید.

ژان پل سارتر

ژان پل سارتر (۱۹۰۴-۱۹۸۰)، فیلسوف مکتب اگزیستانسیالیسم است که با تأثیر از سه فیلسوف مغرب زمین، هگل، هوسرل و هایدگر فلسفه خود را سامان داد؛ وی از اولین فیلسوفان اگزیستانسیالیست است که خود را به این نام نامیده و حتی با تقسیم‌بندی اگزیستانسیالیست‌ها به الحادی و الهی خود را از نوع الحادی معرفی می‌کند و تنها وجه اشتراک آن‌ها را تقدم وجود بر ماهیت و آغاز فلسفه از درون می‌داند. (Sartre, 1946, p. 20) ورود سارتر به این حوزه به خاطر رویارویی با مسائل اخلاقی غرب بعد از جنگ جهانی است که موجب طرح سؤال‌های زیادی در باب «آزادی» و

«مسئولیت» انسان از سوی او و پرداختن به آن‌هاست و کتابی به نام «اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر» نگاشت. سارتر فیلسوف ادبی است که اندیشه‌های خود را علاوه بر کتب فلسفی در قالب نمایشنامه، فیلم‌نامه، رمان و داستان نیز ارائه کرده است. رمان «مگس‌ها»، «تهوع» و نمایشنامه «شیطان و خدا»، «خروج ممنوع» و فیلم‌نامه «زندگی فروید» و ده‌ها اثر ادبی دیگر از آثار مکتوب او به شمار می‌روند.

زندگی علمی سارتر را در کل می‌توان به دو مرحله تقسیم کرد: سارتر متقدم که نمود و بروز او در کتاب «هستی و نیستی» است و سارتر متأخر که در آثاری چون «بین اگزیستانسیالیسم و مارکسیسم» و «نقد خرد دیالکتیکی» دیده می‌شود. مسئولیت انسانی سارتر که بر پایه آزادی و آگاهی بشر مطرح‌شده، بیشتر در دو کتاب «اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر» و «هستی و نیستی» مطرح‌شده است که این نوشته بر اساس این دو کتاب سامان می‌یابد. گرچه مطلب مستقلی در کتاب‌های دیگر سارتر درباره مسئولیت انسانی نیست، اما روح مؤلفه‌های اگزیستانسیالیسم مخصوصاً مسئولیت انسانی در تمام آثار وی جاری است از این‌رو به برخی از این موارد در این نوشته اشاره می‌شود.

مسئولیت انسانی در نگاه سارتر

از مهم‌ترین اصول اگزیستانسیالیسم که به‌عنوان نتیجه اصول دیگر این مکتب لحاظ شده، «مسئولیت انسانی» است. انسان به خاطر موقعیت ویژه‌ای که در عالم هستی دارد، مسئول ماهیت خویش، افعال و رفتار خود و رفتار دیگران و جامعه و حتی کل عالم هستی است. سارتر می‌گوید:

«نخستین تلاش اگزیستانسیالیسم آن است که فرد بشری را مالک و صاحب‌اختیار آنچه هست قرار دهد و مسئولیت کامل وجود او را بر خود او مستقر کند». (Sartre, 1946, p. 26)

وی در رمان‌ها و نمایشنامه‌های خود نیز این مسئولیت انسانی را پررنگ جلوه داده است. هنرمندانه‌ترین گونه این مسئولیت، در نمایشنامه «شیطان و خدا» به تصویر کشیده شده است. وی در این نمایشنامه به گذر جامعه مسیحی از قرون وسطی پرداخته و در مجلس هفتم در گفتگویی بین معلم (که نماد تفکر اگزیستانسیالیستی است) و هیلدا – که یک راهبه مسیحی و نماد تفکر مسیحیت قرون وسطی است – اصول آزادی و مسئولیت را به مخاطبین خود القا می‌کند. هیلدا که چند روزی است از جامعه، کنار گذاشته‌شده، سرزده به میان آموزه‌های معلم می‌رود:

«معلم از حضور او دلگیر می‌شود و به او می‌گوید تو مزاحم ما هستی! هیلدا می‌گوید من سخنی نمی‌گویم و فقط به شما نظاره می‌کنم، چگونه مزاحم شما هستم؟ معلم می‌گوید: تو حرف نمی‌زنی، ولی به ما نگاه می‌کنی و ما می‌دانیم که تو کار ما را نمی‌پسندی! هیلدا می‌گوید: مگر من حق ندارم هر طور

ارزیابی انتقادی دیدگاه سارتر درباره مسئولیت انسان از منظر شهید صدر/نیکزاد، رجبی و هاشمی

که دلم بخواهم فکر کنم. معلم: نه هیلدا! اینجا باید همه به صدای بلند و به‌طور آشکارا فکر کنند. افکار هر کس مال همه است. آیا حاضری در جمع ما شرکت کنی؟ هیلدا: نه! (Sartre, 1951, p. 193)

مسئولیت و ماهیت انسانی

مسئولیت انسانی در نگاه سارتر رابطه وثیقی با ماهیت انسانی دارد. وی انسان را تنها موجود اصیل عالم می‌داند که وجود او بر ماهیتش مقدم است و بر همین اساس او را دارای مسئولیت می‌داند؛ «اگر به‌راستی وجود بر ماهیت مقدم است پس بشر مسئول وجود خویش است» (Sartre, 1946, p. 25). پس لازم است مختصری به ماهیت‌شناسی انسان از دیدگاه سارتر بپردازیم:

سارتر در کتاب «هستی و نیستی» ضمن تقسیم هستی به لُفْسَه و فی‌لُفْسَه، انسان را دارای وجود لُفْسَه می‌داند که در زمان است و با نگاهی به گذشته کششی به آینده نیز دارد. (نقیب زاده، ۱۳۹۰: ۲۶۴) هستی لُفْسَه عنصری به نام نیستی و عدم دارد. واقعیت انسان از یک‌جهت دارای هستی است و از جهتی دیگر دارای خلاءهای وجودی است که هنوز ماهیتش تحقق پیدا نکرده و با امکان و نیستی درهم‌تنیده شده و انسان که هستی آن با آگاهی و آزادی عجین است، چیزی را طلب می‌کند که نیست و فاقد آن است. (خاتمی، ۱۳۹۱: ۱۹۳) در میان همه هست‌های عالم این فقط انسان است که از هستی خود آگاهی دارد. از اینکه چه کسی هست و چه چیزی می‌تواند بشود آگاهی دارد؛ می‌تواند به دیگر آگاهی نیز بیانجامد. سارتر هستی مطلق را مخصوص انسان می‌داند و این بدان معناست که این فقط انسان است که هستی و حقیقت خود را درک می‌کند حقیقت انسانی از روی رفتار و کردار درک می‌شود. (Sartre, 1943, p. 205) وی انسان را علت غایی تمام هستی می‌داند و معتقد است اگر انسان نبود هستی‌های دیگر وجود پیدا نمی‌کرد. (Sartre, 1943, p. 392) بر همین اساس انسان در هستی آزاد مطلق است. (Sartre, 1943, p. 393) سارتر معتقد به نفی ماهیت پیشین انسانی است: «اینکه انسان بدان گونه که فلاسفه می‌گویند قابل تعریف نیست، به این جهت است که ابتدا هیچ بوده است و چیزی نخواهد بود، مگر بعدها بشود و در آن هنگام او همان چیزی خواهد شد که خودش را می‌سازد.» (Macquarrie, 1973, p. 8) سارتر گرچه تحت تأثیر پدیدارشناسی هوسرل است، ولی در ماهیت انسانی با او مخالف می‌کند. (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۰۳)

مسئولیت و شاخصه‌های دیگر اگزیستانسیالیسم

مهم‌ترین اصول مسئولیت انسانی در اندیشه سارتر به آزادی و شناخت نسبت به این مسئولیت برمی‌گردد. به پاره‌ای از این موارد اشاره می‌کنیم:

آزادی و مسئولیت

به عقیده سارتر، آزادی و آگاهی - یکی از اصول اگزیستانسیالیستی - مربوط به هستی لnfسه انسان است: «انسان محکوم به آزادی است. (Sartre, 1943, p. 439) ما نمی‌توانیم آگاه بودن و یا نبودن را انتخاب کنیم. ما از آن جهت که آگاهی هستیم، آزادیم. از نظر سارتر: «انسان محکوم به آزادی است و از زمانی که در عالم پرتاب شده است، آزاد است و نسبت به هر آنچه انجام می‌دهد مسئول است (Sartre, 1946, p. 34)». از این‌روست که آزادی را محدودیتی برای آزادی خود می‌داند؛ چرا که دیگر آزاد نیست که آزادی را انتخاب نکند: «هیچ محدودیتی برای آزادی من جز خود آزادی وجود ندارد (Sartre, 1946, p. 39)». انسان از آن جهت که محکوم به آزادی است بار سنگین مسئولیت عالم را بر شانه دارد. (Sartre, 1946, p. 53) در نگاه وی انسان تنها موجودی است که آزادی و تفکر دارد. از این‌رو مسئولیت دارد: «بشر محکوم به آزادی است بشر محکوم است؛ زیرا خود را نیافریده است، در عین حال آزاد است؛ زیرا همین که پا به جهان گذاشت، مسئول همه کارهایی است که انجام می‌دهد (Sartre, 1946, p. 36)». از نظر سارتر انسان غیر از چهار وضعیت بنیادین، در باقی امور آزاد است. این چهار وضعیت عبارت‌اند از: در زمان و مکان قرار داشتن، زنده بودن و کار کردن. غیر از این چهار مورد که اموری غیر اختیاری در انسان هستند، باقی امور به آزادی و اراده و اختیار آزاد انسان همراه است. (ملکیان، ۱۳۷۹: ۴/۸۶)

شناخت - آگاهی و مسئولیت

تلاش سارتر این است که از هستی‌شناسی انسان و توضیح زیست آگاهانه و آزادی انسان، او را متوجه مسئولیتی کند که از قبال این آزادی و آگاهی در عالم دارد: «نخستین تلاش اگزیستانسیالیسم آن است که فرد بشری را مالک و صاحب‌اختیار آنچه هست قرار دهد و مسئولیت کامل وجود او را بر خود او مستقر کند» (Sartre, 1946, p. 26)

سارتر این شناخت و آگاهی را در چند ساحت توضیح می‌دهد: آگاهی من نسبت به خودم، دوم آگاهی من نسبت به بدنم، سوم آگاهی من نسبت به دیگران. (Sartre, 1943, pp. 305-307) این شناخت‌ها به رابطه‌ای می‌انجامد که اولاً آگاهانه است، ثانیاً آزادانه است و ثالثاً مسئولانه است. سارتر این بحث را تحت عنوان روابط کیفی با دیگران توضیح می‌دهد. (Sartre, 1943, p. 308) سارتر در ارتباط انسان با دیگران دو مرحله و مرتبه را قائل است. ((Sartre, 1943, p. 308) مرتبه اول: رابطه تن با تن، تن من با تن دیگران. در این مرحله ملزم به شناخت طبیعت بدن هستیم. مرتبه دوم: اعمال و کنش‌ها

ارزیابی انتقادی دیدگاه سارتر درباره مسئولیت انسان از منظر شهید صدر/نیکزاد، رجبی و هاشمی

و واکنش‌ها. در این مرتبه سه گونه را در ارتباط مسئولانه با دیگران بیان می‌کند. گونه اول: به عشق زبان، خودآرایی از آن تعبیر می‌کند، (Sartre, 1943, pp308-332) گونه دوم: بی‌اعتنایی اشتیاق، هوس، نفرت، سادیسیم، (Sartre, 1943, pp. 333-372) گونه سوم: بودن در جمع (Sartre, 1943, pp. 373-376) رابطه آگاهی و مسئولیت انسانی در دیدگاه سارتر بسیار حائز اهمیت است. انسان به‌عنوان تنها هستی آگاه و آزاد، مسئول همه کارهایی است که انجام می‌دهد.

وانهادگی و مسئولیت

سارتر بر اساس وانهادگی -یکی از اصول اگزیستانسیالیستی- هیچ ارزش منطقی و معیاری نهاده شده در درون انسان را قائل نیست که انسان بتواند با تکیه بر آن انتخاب کند و مسئولیت خود را بر آن استوار سازد. (Sartre, 1946, p. 34) بلکه این انسان است که با عملکرد آگاهانه و انتخاب آزادانه، ماهیت خویش را می‌سازد و به عالم معنا می‌دهد. (Sartre, 1946, p. 39) مک کواری در توضیح این کلام سارتر بیان می‌دارد که مراد او از وانهادگی این است که خدایی وجود ندارد تا ارزش‌ها را معین کند یا انسانیتی آرمانی قرار دهد. (Macquarrie, 1973, p. 210)

انتخاب آگاهانه و مسئولیت

سارتر نحوه تأثیرگذاری انتخاب‌های آگاهانه - یکی از اصول اگزیستانسیالیستی- یک فرد انسان در انسان‌های دیگر و مسئولیت‌پذیری او در قبال این تأثیر را این‌گونه توضیح می‌دهد:

«هنگامی که ما می‌گوییم بشر در انتخاب خود آزاد است، منظور این است که هریک از ما با آزادی خود را انتخاب می‌کنیم. همچنین با این گفته این را نیز می‌خواهیم بگوییم که فرد بشری با انتخاب خود همه آدمیان را انتخاب می‌کند. درواقع هریک از اعمال ما آدمیان با آفریدن بشری که می‌خواهیم آن‌گونه که باشیم، درعین حال تصویری از بشر می‌سازد که به عقیده ما بشر به‌طور کلی باید آن‌گونه باشد». (Sartre, 1946, p. 27)

درواقع انتخاب‌های انسان و عملکرد او، یک الگوی عملی برای تمام انسان‌ها و معرفی آن به تمام عالم انسانی و درخواست تکوینی از افراد انسانی برای عمل به این دستورالعمل عینی است: «انتخاب چنین و چنان بودن درواقع تأیید ارزش آنچه انتخاب می‌کنیم نیز هست؛ زیرا هیچ‌گاه ما نمی‌توانیم بدی را انتخاب کنیم. آنچه انتخاب می‌کنیم همیشه خوبی است. هیچ چیز برای ما خوب نمی‌تواند بود مگر آنکه برای همگان خوب باشد». (Sartre, 1946, p. 27) یا در جمله دیگری بیان می‌دارد: «بدین‌گونه من مسئول خود و مسئول همگان هستم و برای بشر صورتی می‌آفرینم که خود برگزیده‌ام.

با انتخاب خود دیگران را نیز انتخاب می‌کنم» (Sartre, 1946, p. 29).

دلهره انسانی و مسئولیت

سارتر «دلهره انسانی» را به عنوان یکی از اصول اگزیستانسیالیست، مرتبط به «اصل مسئولیت» دانسته و می‌گوید:

«هنگامی که انسان خود را ملتزم ساخت و دریافت که وی نه تنها همان است که موجودیت خود، راه و روش زندگی خود را تعیین می‌کند بلکه اضافه بر آن قانون‌گذاری است که با انتخاب شخص خود جامعه بشری را نیز انتخاب می‌کند ... هر فردی باید پیش خود بگوید: آیا به راستی من آن کسی هستم که حق دارم چنان رفتار کنم که همه آدمیان کار خود را با من تنظیم کنند؟ اگر دیگران هم بخواهند مانند من رفتار کنند چه خواهد شد؟» (Sartre, 1946, pp. 31-33).

دلهره انسان یک امر ثانویه برای انسان نیست؛ بلکه انسان مادام که آزاد و آگاه است و عمل بر طبق آن دو دارد، این دلهره را به همراه دارد که آیا عملکرد من یک الگوی مناسب برای عالم هست یا نه؟ «بنابراین مسئولیت ما عظیم‌تر از آن چیزی است که می‌پنداریم؛ زیرا این مسئولیت همه الم بشری را ملتزم می‌کند». (Sartre, 1946, pp. 31-33) نگرانی از الم عمومی که از رفتار آگاهانه من در انسان‌ها واقع می‌شود، مسئولیت مرا سنگین‌تر می‌کند و این باعث دلهره اگزیستانسیالیستی می‌شود. بشر دائم با یک دلهره وجودی قرین است. این دلهره در این مکتب آن قدر مهم و اساسی است که کی‌یر کگور از آن به دلهره ابراهیم تعبیر می‌کند. (Sartre, 1946, p. 31) انسان‌ها غالباً در مقابل این دلهره توجیه‌گر هستند و درواقع انتخاب‌گر فریب دلهره خویشانند که سارتر از آن به «کژباوری» تعبیر می‌کند. (Sartre, 1946, p. 36) این خودفریبی نیز نوعی انتخاب آگاهانه برای فرار از مسئولیت است. به عنوان مثال وقتی کسی کارناشایستی انجام می‌دهد، از او بپرسند آیا دوست داری دیگران هم مثل تو عمل کنند یا اگر دیگران هم این کار را انجام دهند، چگونه است؟ در توجیه می‌گوید دیگران این چنین نمی‌کنند. (نقیب‌زاده ۱۳۹۱: ۳۲۸) همه این‌ها برای این است که انسان خود را از دلهره و رنج انتخاب و پذیرش مسئولیت و پیامدهای عمل خود رها سازد. (Sartre, 1946, pp. 38-34).

کارکردهای مسئولیت انسانی

از آنجاکه در مکتب اگزیستانسیالیسم الحادی انسان هستی لنفسه داشته و آزاد و مختار است و هستی «وانهاده» دارد و هیچ بنیاد ارزشی در او نهاده نشده است. این انسان است که خویشان را می‌سازد و با اعمال و رفتار خود الگوی عملی برای عالم می‌شود و با مسئولیتی که در این راستا می‌یابد،

ارزیابی انتقادی دیدگاه سارتر درباره مسئولیت انسان از منظر شهید صدر/نیکزاد، رجیبی و هاشمی

عالم را سامان می‌دهد. مسئولیت او در حیطه‌های مختلف کارکردهای متفاوتی دارد. در قبال خویش، نقش سازندگی دارد و در قبال دیگران نقش الگودهی داشته و یک نظام اخلاقی را در جامعه معرفی می‌کند. مسئولیت انسانی سبب جلوگیری از هرج و مرج و هرزگی رفتاری می‌شود. (Sartre, 1946, pp. 31-33) درواقع مسئولیت ترمز آزادی است و این مسئولیت انسانی است که التزام و وظیفه انسانی را موجب می‌شود. (Sartre, 1946, p. 162) انسان با ترسیم «طرح‌های اخلاقی» جامعه خویش را سامان می‌دهد. این طرح‌ها چیزی نیست جز عملکرد آزادانه و آگاهانه افراد بشر که بر اساس دلهره وجودی مسئولانه شکل می‌گیرد.

سارتر مسئولیت را همسنگ عمل می‌داند. مسئولیت انسان را در حد وظیفه دانسته و نتیجه آن را واگذار به انجام این مسئولیت از سوی دیگران می‌کند. (Sartre, 1946, p. 47)؛ و این راه گریز را بر کسانی که به او ایراد می‌گیرند که عملکرد من تأثیر ناچیزی و حتی نزدیک به صفر بر انسان‌ها می‌گذارد، می‌بندد. به اعتقاد وی امور و رویدادها تنها از طریق طرح‌هایی که انسان ترسیم می‌کند، معنا می‌یابد و این محور هرگونه گزینش است. (نقیب زاده، ۱۳۹۰: ۲۷۸)

محدوده مسئولیت

در نگاه سارتر انسان قبل از اینکه مسئول انسان‌های دیگر باشد، مسئول خویش است؛ انسانی که قدرت اراده و اختیار و انتخاب آگاهانه دارد، در برابر آنچه می‌شود، مسئول است. سارتر انسان را دارای خلاءهای هستی می‌داند که با عملکرد آگاهانه، خویش را می‌سازد. پس مسئول خویش است. وی هیچ عاملی را جز اراده انسانی تأثیرگذار در شکل‌گیری هستی انسانی نمی‌داند. (البته بنا بر دیدگاه سارتر متقدم، والا در اواخر به یک نوع آزادی اجتماعی معتقد شد که عوامل محیطی و افراد دیگر هم بر آزادی او تأثیر خواهند داشت. (دوبورا، ۱۳۸۹: ۳۵۵) حتی سارتر به قدرت عواطف و احساسات نیز معتقد نیست و آن را تعیین‌کننده در افعال و رفتار انسانی نمی‌داند و تمام مسئولیت را بر عهده خود انسان می‌داند. حتی او را مسئول عواطف و احساسات خویش می‌داند (Sartre, 1946, p. 36) سعادت و شقاوت انسان، موفقیت و شکست، قهرمانی و زبونی و... انسان همه بسته به انتخاب‌های اوست؛ پس او در مقابل خود مسئول است:

«شخص زبون و پست مسئول زبونی و پستی خویش است؛ زیرا با اعمال خود، خویش را زبون ساخته است.» (Sartre, 1946, p. 50) «هیچ‌کس فطرتاً زبون و یا قهرمان ساخته نشده است» (Sartre, 1946, p. 51).

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۸، تابستان ۱۴۰۴

سارتر کسانی را که آزادی انسان را در عمل محدود و محصور می‌دانند، توجیه‌گرانی می‌داند که می‌خواهند مسئولیت شکست‌ها و پستی‌های انسان‌ها را از دوش آن‌ها بردارند و به دوش دیگران بی‌افکنند:

«کسانی که در پی این هستند که بگویند انسان‌ها وراثتاً و یا محیطاً زبون و پست هستند در پی توجیه افراد بی‌عرضه هستند و وجدان آن‌ها را راحت می‌کنند.» (Sartre, 1946, p. 51)

سارتر دایره مسئولیت انسانی را به اعمال و رفتار خود منحصر نمی‌داند؛ بلکه انسان را مسئول رفتار تمام انسان‌ها می‌داند:

«وقتی ما می‌گوییم بشر مسئول وجود خویش است، منظور این نیست که بگوییم آدم فقط مسئول فردیت خاص خود است؛ بلکه می‌گوییم هر فردی مسئول تمام افراد بشر است.» (Sartre, 1946, p. 21)

وی به این محدوده از مسئولیت نیز اکتفا نمی‌کند؛ بلکه دایره مسئولیت انسانی را تمام ادوار انسانی معرفی می‌کند: «آنچه از خود ساخته‌ایم، برای همه آدمیان و برای سراسر دوران‌ها معتبر است.» (Sartre, 1946, p. 32)

او پا را از این نیز فراتر گذاشته و انسان را مسئول تمام هستی می‌داند؛ چراکه او با رفتارهای خود به جهان معنا می‌بخشد. (Sartre, 1943, p. 39)

در نظر سارتر انسان مجموعه آن چیزی نیست که هست یا دارد؛ بلکه مجموعه آن چیزهایی است که خواهد بود یا خواهد شد. او هیچ بهانه‌ای مبنی بر محدودیت‌های زمانی و مکانی را نمی‌پذیرد. به نظر او گذشته ما نمی‌تواند عملکرد حال و آینده ما را محدود کند. گذشته انسان مرده است و هیچ‌یک از اعمال بشر نمی‌تواند ناشی از گذشته او و معلول آن باشد. انسان هر قدمی که برمی‌دارد، به مثابه یک «طرح» عمل می‌کند. (Sartre, 1946, p. 28)

منظور از طرح آن جایگاهی است که خواست نفس و آرزوی دلی است، نه اینکه این خواست به عمل موردنظر منتهی شود.

صدر

سید محمدباقر صدر (زاده ۱۳۵۳ ق/ ۱۳۱۳ ش و درگذشته ۱۴۰۰ ق/ ۱۳۵۹ ش) نابغه، متفکر و فقیه شیعی ساکن نجف و شاگرد آیه الله خویی و برخی دیگر از علمای حوزه نجف بود. وی در ۲۰ سالگی به اجتهاد رسید و در همان حوزه به تدریس علوم دینی پرداخت و در دانش‌های متعددی چون فقه، اصول، فلسفه، سیاست، معرفت‌شناسی و اقتصاد اسلامی نظریه‌های جدید ارائه داد. (فضل‌الله، ۱۳۸۶: ۱۳ - ۱۴)

گرچه شهید صدر به صورت مستقل به بحث مسئولیت انسان، آن‌هم با تلقی و نگاه

ارزیابی انتقادی دیدگاه سارتر درباره مسئولیت انسان از منظر شهید صدر/نیکزاد، رجبی و هاشمی

اگزیستانسیالیستی، نپرداخته است اما در دو کتاب خود به بحث انسان و جایگاه او در عالم خلقت پرداخته و اشاره ضمنی به مسئولیت انسان می‌کند یکی کتاب «خلافت الانسان و شهادت الانبياء» و دیگری «مدرسه القرآنیة» که تفسیر موضوعی قسمتی از آیات قرآن است. صدر نه تنها انسان را مخلوق خدا می‌داند بلکه او را «خلیفه خدا» نیز می‌داند و تمام بحث مسئولیت انسانی را ذیل بحث خلیفگی مطرح می‌کند.

انسان‌شناسی صدر

تمامی نظریه‌های صدر بر دو محور بنیادین «جهان‌بینی توحیدی» و «ربانی بودن نظام هستی» استوار است. (صدر، ۱۴۰۸: ۴۷-۳۲؛ صدری-تا ب: ۸۲-۸۷) انسان‌شناسی صدر انسان‌شناسی توحیدی است در کل، توحید نخ تسبیح تمامی مباحث صدر است. وی نقش توحید را باعث توسعه در دیدفکری، روشن‌سازی ایدئولوژی‌های و تجمیع‌کننده آرمان‌ها و اهداف انسانی می‌داند. (صدر، بی-تا الف: ۱۹۷)

نگرش توحیدی صدر سه اصل اساسی را تولید می‌کند: (۱) حاکمیت مطلقه خدا بر وجود؛ «لا سید و لا مالک و لا اله الا للکون و للحیاء الا الله سبحانه و تعالی» (صدر، بی-تا د: ۱۹۶) (۲) جریان سنن الهی بر جهان؛ صدر قوام عالم را بر اساس سنت‌های الهی استوار دانسته و نظام آن را محصول این سنت‌ها برمی‌شمارد (صدر، بی-تا د: ص ۸، مقدمه ۳) آزادی و اختیار انسان؛ یکی از سنت‌های مهم الهی آزادی و اختیار انسان است که بر صدر بر این اساس انسان را حاکم بر خویشتن می‌داند چنین حاکمیتی از جانب خدا به صورت فطری و تکوینی به انسان داده شده است و این اصل مبنای مسئولیت انسانی است؛ «مسئولیت بدون آزادی و احساس اختیار و امکان تحکم در برابر مقتضیات معنی ندارد» (صدر، ۱۳۹۹ ب: ۹-۱۰) انسان با این اختیار خدادادی می‌تواند «مصلح» و یا «مفسد فی الارض» باشد و با آزادی راه خودش را برگزیند (صدر، ۱۳۹۹: ۱۲-۱۰)

صدر ملاک برتری انسان را عمل آزادانه در مقیاس الهی می‌داند عملی که اولاً صالح باشد ثانیاً بر مبنای پارسایی، دانش و جهاد صورت گرفته باشد (صدر، ۱۳۹۹ الف: ۱۲-۱۰) صدر با استنباط از آیه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ و اینکه برای آدمی جز آنچه به سعی و عمل خود انجام داده نخواهد بود؟» (نجم: ۳۹) دارایی انسان را تلاش و کوشش هدفمند و در راستای الهی معرفی می‌کند. (صدر، ۱۳۹۹ الف: ۱۲-۱۰)

در کتب صدر سیر انسان دائمی و بی‌حد است زیرا مکارم اخلاقی در سطح الهی‌اش مطلق و بی‌حد است و از طرفی انسان موجودی محدود است کسب این فضایل بی‌حد برای یک موجود محدود ایجاب می‌کند کند این موجود حرکتی دائمی به سوی بی‌نهایت داشته باشد. (صدر، ۱۳۹۹ الف: ۱۷-۱۸)

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۸، تابستان ۱۴۰۴

از این رو راه تکامل و پیشرفت برای انسان باز بوده و در این راه هیچ محدودیت و مانعی از سوی خالق نخواهد داشت و تمامی ابزار و لوازم این سیر از سوی خدا برای انسان تا رسیدن به ایده آل مطلق (خدا) فراهم شده است و هیچ مانعی در این سیر از سوی خالق ایجاد نشده است و این سیر دائمی و بدون توقف خواهد بود: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ؛ ای انسان، حقاً که تو به سوی پروردگار خود به سختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد.» (انشقاق: ۶) انسان در همه سطوح می‌کوشد تا به لقای پروردگار برسد، هرچند خودش به هدف تلاش خودش آگاه نباشد. این حرکت، حرکت انسانیت و جامعه انسانی برای رسیدن به کمال مطلق است. (صدر، بی-تا د: ۱۷۹-۱۸۰)

خلافت الهی و مسئولیت

مبنای مسئولیت انسان در نگاه صدر خلافت الهی انسان است؛ «خلافت متضمن مسئولیت در برابر کسانی است که بر آنان خلافت اعمال می‌شود» (صدر، الاسلام، بی-تا الف: ۱۳۲) وجه تمایز و برتری انسان بر بقیه مخلوقات خلیفه بودن اوست وی دلیل سجده فرشتگان بر انسان را همین ویژگی دانسته و آن را سبب پیروی تمامی نیروهای ظاهری و باطنی برای انسان می‌داند (صدر، ۱۳۵۸ق الف: ۸)

صدر با استناد به آیه «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً؛ و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت» (بقره: ۳۰) سه عنصر اصلی جامعه بشری را استخراج کرده است. این عناصر عبارت‌اند از: ۱- انسان ۲- زمین یا به طور کلی طبیعت ۳- پیوند معنوی انسان با طبیعت و انسان‌های دیگر؛ که قرآن این پیوند معنوی را «استخلاف» نامیده است. (صدر، بی-تا د: ۱۲۶)

مسئولیت انسان در هر سه عنصر این خلیفگی جاری است انسان آنگاه که خلیفه الله شد هم نسبت به انسان و هم نسبت طبیعت و هم نسبت به خالقش مسئولیت دارد رابطه انسان با طبیعت رابطه مالک و مملوک نیست بلکه رابطه امین با امانت است؛ رابطه انسان با انسان دیگر رابطه حاکم و محکوم نیست بلکه رابطه دو همکار در انجام وظیفه خلافت است. (صدر، بی-تا د: ۱۲۹؛ صدر، بی-تا ب: ۱۷۰-۱۷۱) شهید صدر دو معنای خلافت و امانت را به هم گره زده و می‌گوید:

«امانت همان صورت پذیرفته شده خلافت است: خلافت از ناحیه خدا عرضه می‌شود که او این پایگاه بلند را به انسان می‌بخشد. امانت و خلافت عبارت است از استخلاف و استئمان یعنی به جانشینی برگزیدن، به امانت گرفتن و تحمل بار سنگین آن را کردن...» (صدر، بی-تا د: ۱۳۲؛ صدر، بی-تا ب:

(۱۸۹)

ارزیابی انتقادی دیدگاه سارتر درباره مسئولیت انسان از منظر شهید صدر/نیکزاد، رجبی و هاشمی

بنابراین «صدر» جامعه انسانی بر روی زمین را دارای سه عنصر می‌داند: «انسان»، «زمین»، «استخلاف». استخلاف نیز دارای سه ساحت است ساحت رابطه انسان با خودش، ساحت رابطه انسان با دیگران، ساحت رابطه انسان با طبیعت. انسان در همه این ساحت‌ها مسئول است مسئول سرنوشت خویش، مسئول سرنوشت اجتماع و مسئول سرنوشت طبیعت.

استخلاف علاوه بر پیوندهای درون اجتماعی یک پیوند بیرونی نیز دارد و آن عامل به وجود آورنده این استخلاف است که از بنیادهای اساسی این پیوند اجتماعی است چرا که اساس و مبنای این استخلاف اوست و مهم‌ترین رکن آن به حساب می‌آید. بر این اساس ارکان استخلاف عبارت‌اند از: ۱- مستخلف که خدای سبحان است. ۲- مستخلف که همان انسان است. ۳ و ۴- مستخلف علیه که شامل انسان و طبیعت می‌شود. صدر معتقد است اگر رکن مستخلف-یعنی الله- را در استخلاف را برداریم تمام پیوندها دگرگون می‌شود؛ به گونه‌ای که انسان نسبت به انسان‌های دیگر و طبیعت دچار یک نوع استثمار شده و سبب سلطه و سوءاستفاده قوی از ضعیف و بهره‌کشی از آن‌ها خواهد شد. (صدر، بی-تا ب: ص ۱۸۷)

مؤلفه‌های مسئولیت انسانی

صدر مسئولیت‌های انسانی را مبتنی بر حقوق، مساوی و برابر می‌داند و معتقد است طبیعتاً حق هیچ‌کس بیشتر از دیگری نبوده و به همان میزان دارای مسئولیت است بنابراین همان میزان حقی که یک شخص برای خلافت خدا در زمین دارد شخص دیگر نیز همان مقدار حق و مسئولیت دارد. همه مردم صاحب حق و عهده‌دار حمل این امانت الهی هستند. پس بنابر نظریه خلافت الهی سلطه‌جویی افراد بر یکدیگر منتفی است. (صدر، ۱۳۹۹ ج: ۲۹؛ صدر، بی-تا الف: ۱۴) بنابراین حق مهم‌ترین مؤلفه تشکیل دهنده مسئولیت در نگاه صدر است انسانی که بر اساس خلیفه‌اللهی حق حاکمیت بر خود دیگران و طبیعت را پیدا می‌کند بر اساس امانت، وظیفه و مسئولیت می‌یابد که آن‌ها را در راستای رکن رکن استخلاف یعنی مستخلف به کار بگیرد و در تمامی جهات مراعات آن‌ها را بنماید؛ «از همین رو مسئله خلافت انسان، از دیدگاه قرآن، در حقیقت شالوده حکومت انسان بر هستی است.» (صدر، ۱۳۵۸ ق الف: ۹-۱۰)

مسئولیت انسانی در نگاه صدر

مهم‌ترین مسئولیت انسانی از نگاه صدر تحقق خلافت الهی توسط انسان است؛ «خدای متعال پروردگار زمین و همه خیرات آن، پروردگار انسان، حیوان و هر جنبیده‌ای...بدین‌سان خلیفه‌الله در

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۸، تابستان ۱۴۰۴

زمین یعنی جانشین خداوند در تمام این امور و اشیاء که بزرگ‌ترین مسئولیت انسان است» (صدر، ۱۳۹۹ الف: ۱۰؛ صدر، بی-تا الف: ۷۴)

انسان که ذاتاً شرایط و زمینه تحقق خلیفه الهی را داشت، تکویناً و فطرتاً مسئولیت آن را نیز بر عهده گرفت و براین اساس خلافت «امانتی عمومی» برای انسان است که مسئولیت انسان بر آن اساس شکل می‌گیرد. این مسئولیت انسانی در زمین تمام ابعاد زندگی او را- سیاست، اقتصاد، فرهنگ، دانش، اخلاق ...- را در برمی‌گیرد:

«وظیفه دارد: ثروت خدادادی را طبق دستور مالک اصلی -الله- صرف و اداره نماید» (صدر، ۱۳۹۹ ب: ۱۵) «خداوند پروردگار هر موجودی است بدین‌سان خلیفه الله یعنی جانشین خدا در اداره تمامی امورات آن‌ها در زمین» (صدر، ۱۳۹۹ الف: ۱۰؛ صدر، بی-تا الف: ۷۴)

مسئولیت انسان نسبت به خدا:

ارزش و اعتبار انسان به پذیرش توحید بوده و نفی الهه‌های نفسانی و غیر نفسانی. این امر همان توحید ملکی و ربوبی است که در قرآن بر آن تکیه شده است (صدر، ۱۳۹۹ ب: ۹-۱۰) بر اساس همین توحید ربوبی و مالکی انسان و جامعه انسانی وابستگی تام و تمام به خدا داشته و از خود هیچ‌گونه استقلالی ندارند. (صدر، ۱۳۹۹ الف: ۱۱)

مسئولیت انسان نسبت به جامعه

مسئولیت انسان نسبت به جامعه در نگاه صدر یک ولایت نظارتی و ارشادی است؛ صدر با استناد به آیه ۷۱ سوره توبه مؤمنان را بر یکدیگر دارای ولایتی مبتنی بر نصح می‌داند: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ...» (توبه: ۷۱) که این ولایت ارشادی و نظارتی در الگوی مترقی «امر به معروف و نهی از منکر» متجلی و نمایان شده است: «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (توبه: ۷۱) این الگو نوعی نظارت و مشارکت اجتماعی است که به انسان این اجازه را می‌دهد که دیگری را امر و نهی، اخطار و یا نصیحت نماید: «این آیه از ولایت سخن به میان می‌آورد و این که هر انسان با ایمانی ولی انسان با ایمان دیگر است و منظورش از ولایت، سرپرستی و حاکمیت و ولایت ارشادی بر امور اوست» (صدر، ۱۳۹۹ الف: ۴۵)

مسئولیت عمومی انسان

با توجه به نکات یادشده انسان هم وظیفه شخصی و هم عمومی و اجتماعی دارد؛ یعنی مسئولیت او صرفاً فردی لحاظ نمی‌شود: «اما اگر زمین جامه آسمانی بیوشد و کار بر روی طبیعت، عنوان وظیفه و

ارزیابی انتقادی دیدگاه سارتر درباره مسئولیت انسان از منظر شهید صدر/نیکزاد، رجبی و هاشمی

مفهوم عبادتی پیدا کند، آن‌گاه نظریه انسان غیب‌گرای مسلمان، تبدیل به نیرویی حرکت آفرین می‌شود که او را برای مشارکت در بالا بردن سطح زندگی به جلو می‌راند و این وظیفه‌ای است که دولت اسلامی باید انجام دهد...» (صدر، بی-تا، ج: ۴۶).

مسئولیت انسان نسبت به خود

مسئولیت فردی و شخصی انسان هم در برابر خدا و محیط و هم در برابر خودش است. این مسئولیت شخصی زمانی محقق می‌شود که آدمی در مقام خلیفه‌اللهی بتواند تشبه به ارزش‌های الهی پیدا کند:

«رشد حقیقی در منطق اسلام وقتی حاصل می‌شود که انسان خلیفه الله بتواند شبیه ارزش‌هایی که در وجود خداوند متعال متجلی است در وجود خود به عنوان خلیفه او ... تحقق بخشد... از آنجاکه این مکارم اخلاقی در سطح خدایی‌اش مطلق و بی‌حد و حساب است و انسان موجودی است محدود، بدیهی است پیاده شدن این اخلاق در یک موجود انسانی ایجاب می‌کند به صورت یک حرکت دائم به سوی بی‌نهایت انجام شود.» (صدر، ۱۳۹۰ الف: ۱۷-۱۸)

ارزیابی دیدگاه سارتر از منظر شهید صدر

منشأ تفاوت نگاه سارتر و صدر در مسئولیت انسان، الحادی بودن سارتر و الهی بودن نگاه صدر است. همان‌طور که اشاره شد در اندیشه سارتر «مسئولیت» به عنوان وضعیت هستی‌شناسانه انسان (امری که باهر کنش و هر گزینش او همراه است) پایه مفهوم "تعهد"^۶ است که در نوشته‌های او نقش مهمی دارد. «تعهد» رویکرد کسی است که از مسئولیت خودآگاه است و وضعیت خود را در وضعیت تاریخی و اجتماعی درک کرده و می‌خواهد دست به کنش بزند تا از آنچه آزادی‌اش را در این وضعیت محدود می‌کند، بکاهد. تعهد به معنای دقیق آن وضعیتی هستی‌شناسانه و شیوه‌ای از بودن است. وقتی تعهد به امری کنار گذاشته شود، نمایانگر تعهد به امری دیگر خواهد بود. کسی که در برابر ستم خاموش می‌ماند، به ستمگر متعهد می‌شود. (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۳۷)

هرچند سارتر در تحلیل آزادی و مسئولیت و رابطه این دو مسائل را به خوبی تحلیل کرده است، ولی با کوتاه نمودن دست انسان از باور به خدا (بلاک‌هام، ۱۳۸۲: ۱۹۶-۱۹۵؛ علوی تبار، ۱۳۸۴: ۴۰-۳۹) وی را در به دوش کشیدن بار سنگین و طاقت‌فرسای آزادی و مسئولیت، تنها و بی‌یاور و بی‌راهنما نموده و چه تنهایی سختی را بر انسان تحمیل کرده است.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۸، تابستان ۱۴۰۴

سارتر با نفی خدا باوری و متعارض دیدن آزادی با اعتقاد به وجود خدا، انسان را با عقل صرف، تنها رها کرده و وی را در برهوت آزادی سرگردان نموده و حال آنکه خدا، آموزه‌های دینی و پیامبران راهنمایان و مددکاران انسان در همین انتخاب و ساختن خویش‌اند.

تفاوت دیگر اندیشه سارتر و صدر در خلیفه دانستن انسان است. صدر انسان را مخلوق ویژه خدا می‌داند که از جانب او روی زمین خلیفه اوست. بر همین مبنا نسبت به خدا، خود، انسان‌های دیگر و طبیعت مسئول است و در مسئولیت خود، در مرحله اول به خالق خود و سپس به دیگران جوابگو خواهد بود اما سارتر، انسان را وانهاده در عالم می‌داند و بر اساس آن هیچ‌گونه ربطی بین او و ماوراء وجود ندارد و انسان ابتدا نسبت به خود و سپس نسبت به دیگران مسئول است. درجایی که سارتر منکر وجود خدا و هرگونه نظام ارزشی در عالم می‌شود معلوم نیست انسان در چنین وضعیتی چرا و چگونه باید خود را مسئول بداند و مسئولیت او در برابر چه کسی و برای چیست؟ (ملکیان، ۱۳۷۹: ۸۳)

مهم‌ترین مؤلفه انسان‌شناسی صدر که نقطه افتراق و امتیاز شهید صدر نسبت به سارتر است، مخلوق بودن انسان و آویختگی اوست، برخلاف سارتر که انسان را یک هستی پرتاب‌شده می‌داند و نظریه وانهادگی را مطرح می‌کرد. در نگاه صدر انسان دارای یک مجموعه درون‌نهادهای اخلاقی و یک نظام معرفتی می‌باشد «فاله‌مها فجورها و تقواها» (شمس: ۸) که این گزاره‌ها ذیل عنوان فطرت درج‌شده است.

صدر این شکل آزادی در نظریه سارتر را این‌گونه ترسیم می‌کند:

«انقطاع رابطه انسان اروپایی از خدا و نگاه او به زمین به جای آسمان، اندیشه قیومیت مبدأ برتر و یا پذیرش محدودیت از خارج وجودش را از اندیشه او زدود و او را از حیث روانی و فکری آماده ساخت که به حق آزادی و بهره‌وری‌اش از استقلال فردی، اعتقاد کند. این امر بعداً به زبان فلسفی درآمد و در تاریخ فلسفه اروپا فلسفه کبرا یا اگزیستانسیالیسم نامیده شد.» (صدر، ۱۳۸۵: ۱۹).

صدر با تقسیم آزادی در غرب به شخصی و اجتماعی، آزادی شخصی غربی را منفعل از هواپرستی و شهوات می‌داند که انسان را مقهور و دربند خویش ساخته و عقل و معانی انسانی را که مایه انسان از حیوان است را کنار زده و درواقع آزادی شخصی غربی آزادی انسان را سلب کرده است. (صدر، بی-تا د: ۱۱۴)

انسانی که دارای آزادی و قدرت انتخاب نامحدود است اما هیچ‌گونه ابزار و الگو و طرح و حتی آرمان کلی برای او تعیین نشده است تحمل مسئولیت برای این چنین انسانی، تحمل فراتر از توان است زیرا محدودیت‌ها و مسئولیت‌های انسان آزاد او را ملزم به داشتن یک الگو و ابزار و طرح خاص از

ارزیابی انتقادی دیدگاه سارتر درباره مسئولیت انسان از منظر شهید صدر/نیکزاد، رجبی و هاشمی

پیش‌ساخته‌ای می‌کند که در فرهنگ دینی از آن به فطرت تعبیر شده است. به همین دلیل انسان سارتر انسانی به‌کلی تنهاست (استراترن، ۱۳۸۹: ۵۱) سارتر از یک‌سو انسانی آزاد، مسئول خویشتن و تمام بشریت و دائم در حرکت و شور و میل برای رسیدن به هستی فی‌نفسه و فرا رفتن از خویشتن ترسیم می‌کند و از یک‌طرف، انسان را دارای شور و عاطفه‌ای مهمل و بیهوده معرفی می‌کند (گرامی بررسی و نقد سارتر، ۱۳۸۸: ۱۰۶) این تناقض معرفتی سارتر در مورد مسئولیت‌پذیری انسانی ریشه مشکلات دیگر وی در این مورد است.

هرج‌ومرج در دیدگاه انسان آزاد اگزیستانسیالیست‌ها مخصوصاً شاخه الحادی که سارتر از آن است مهم‌ترین عاملی است که او را به‌سوی طرح مسئولیت انسانی سوق داده است ولی از آنجاکه هیچ مبنای صحیحی برای مسئولیت انسانی در انسان وانهاده نیست مسئولیت انسانی سارتر در حد یک گزاره مهمل در منظومه فکری او باقی‌مانده و ظهور و بروز بیرونی نیافته و دست نیافتنی خواهد بود؛ و این بنای سست ایدئولوژیکی طبیعی است که سارتر بگوید: «من زندگی می‌کنم فقط برای آن‌که فقط بمیرم...» (توماس، ۱۳۸۲: ۲۳۱) «زندگی پوچ است.» «ما خود را بیهوده از دست می‌دهیم... انسان عاطفه بی‌مصرفی است» (استراترن، ۱۳۸۹: ۵۶)

بنابراین، گستره مسئولیت در نگاه صدر وسیع‌تر و دقیق‌تر از دیدگاه سارتر است علاوه بر آن اشکالاتی در بیان مسئولیت برخاسته از آزادی در دیدگاه سارتر وجود دارد که در سطح موردبررسی قرار دارد: سطح هستی‌شناختی (مبانی متافیزیکی هر دو دیدگاه) سطح انسان‌شناختی (تصویر هر یک از انسان و جایگاه او) سطح اخلاق عملی (پیامدهای هر دیدگاه در عمل اخلاقی)

۱- نقدهای هستی‌شناختی: شهید صدر با تحلیل مبانی فلسفی سارتر، چهار نقص بنیادین را شناسایی می‌کند:

الف) معضل عدم تکیه‌گاه متافیزیکی: سارتر مسئولیت را بر "عدم"^۷ بنا می‌نهد. صدر: "مسئولیتی که از ریشه تهی باشد، مانند درختی است که در بیابان خشک‌شده باشد" (صدر، بی‌تا-د: ۲۱۰) راه‌حل صدر: "تکوین الهی" به‌عنوان پایه مسئولیت (صدر: ۱۳۵۸ الف: ۴۵) است

ب) پارادوکس آزادی/مسئولیت: از نظر سارتر انسان هم کاملاً آزاد است و هم کاملاً مسئول. صدر این را نوعی "جبر پنهان" می‌داند (صدر، ۱۳۸۷: ۳۱۲) اما تحلیل صدر این است که آزادی واقعی نیازمند چهارچوب است (همان، ص ۳۱۵)

۲. نقدهای انسان‌شناختی: شهید صدر با تحلیل مبانی فلسفی سارتر، دو نقص بنیادین را شناسایی می‌کند: الف) نقد تصویر "انسان پرتاب‌شده" سارتر که صدر این نگاه به "انسان بی‌ریشه" می‌انجامد که

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۸، تابستان ۱۴۰۴

انسان به‌عنوان "خلیفه الهی" (بقره: ۳۰) به‌عنوان جایگزین صدر مطرح گشته است. ب) معضل هویت انسانی: به عقیده سارتر؛ انسان فاقد هرگونه ماهیت پیشینی است اما صدر انسان را دارای فطرت الهی (روم: ۳۰) دانسته و مسئولیت بدون فطرت، همچون کشتی بی‌بندر می‌داند. (صدر، ۱۳۸۷: ۲۰۲)

۳. نقدهای اخلاقی-اجتماعی: شهید صدر با تحلیل مبانی فلسفی سارتر، سه نقص اجتماعی- اخلاقی شناسایی می‌کند؛ الف) نسبی‌گرایی اخلاقی که مشکل در عدم تمایز عینی بین خوب و بد است که شهید صدر با تکوینی دانستن دستورات اخلاقی، راهی برای نجات از نسبی‌گرایی اخلاقی ارائه می‌کند (صدر، ۱۳۸۷: ۲۹۰) ب) فردگرایی افراطی: صدر مسئولیت سارتري، مسئولیتی تک‌پایه می‌داند (صدر، ۱۳۵۸ الف: ۷۸) و مسئولیت چندلایه (فردی، اجتماعی، الهیاتی) را به‌عنوان راه‌حل ارائه می‌دهد (صدر، بی‌تا- د: ۱۸۹). ج) معضل انگیزش اخلاقی: در دیدگاه سارتر: تنها انگیزه، "اصلت وجود" است اما در دیدگاه صدر: "مسئولیت هم تکلیف است هم تکامل" (صدر، بی‌تا- د: ۲۱۱)

جدول تطبیقی نقدها

جنبه نقد	دیدگاه سارتر	نقد شهید صدر	راه‌حل پیشنهادی صدر
مبنای متافیزیکی	وانهادگی	مسئولیت بدون پایه	نظریه امانت الهی
آزادی انسان	آزادی مطلق	آزادی بی‌قیدوشرط	آزادی در چارچوب خلافت
معیار اخلاقی	عدم وجود معیار عینی	نسبی‌گرایی خطرناک	ارزش‌های فطری و وحیانی
انگیزش اخلاقی	اصلت وجود	ضعف انگیزشی	ترکیب تکلیف و تکامل

نتیجه

سارتر از فلاسفه اگزیستانس مغرب زمین همچون دیگر متفکران این فلسفه بر اصلت انسان تأکید دارد، اما انسان‌گرایی او برخلاف فلاسفه‌ای چون کرکگور و گابریل مارسل و یاسپرس، به الحاد می‌انجامد. او نه‌تنها منکر خدا، بلکه به‌صراحت آثارش با فرض وجود خدا و یقین به چنین وجود مقدسی آزادی انسان تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. او در فلسفه‌اش برای پاسداشت این امر انسان را همه‌کاره هستی می‌داند. در پرتو این امر به مسئولیت انسانی در فلسفه‌اش توجه کرده و آن را از ملزومات آزادی انسان می‌داند. بر اساس آنچه در این تحقیق بیان شد سارتر انسان را در برابر خود و دیگران مسئول دانسته و به‌واسطه همین امر نسبت به انتخاب‌هایش باید پاسخگو باشد. وی با این کار بیشتر به دنبال آن است تا برای دلهره و اضطرابی که محصول دنیای مدرن است، راهکاری جستجو نماید.

ارزیابی انتقادی دیدگاه سارتر درباره مسئولیت انسان از منظر شهید صدر/نیکزاد، رجبی و هاشمی

شهید صدر با نگاهی نظام‌مند، چهار نقص اصلی در دیدگاه سارتر شناسایی می‌کند: ۱. نقص معرفت‌شناختی: عدم ارائه مبنای عینی برای شناخت خوب و بد ۲. نقص انسان‌شناختی: تصویر ناقص از هویت و جایگاه انسان ۳. نقص اخلاقی: ناتوانی در ایجاد انگیزه پایدار برای التزام اخلاقی ۴. نقص اجتماعی: غفلت از ابعاد جمعی مسئولیت راه‌حل جامع صدر مبتنی بر: ۱. ترکیب "عقل و نقل" در تبیین مسئولیت ۲. ارائه تصویری متوازن از آزادی و تکلیف ۳. تأکید بر ابعاد فردی و اجتماعی مسئولیت ۴. پیوند مسئولیت با سعادت اخروی این ارزیابی نشان می‌دهد که چگونه اندیشه اسلامی می‌تواند با حفظ نقاط قوت فلسفه غرب (مانند تأکید بر آزادی)، از محدودیت‌های آن فراتر رود.

مهم‌ترین چالش آزادی انسان از نظرگاه سارتر و در پرتو آن مسئولیت‌پذیری او، پرتاب‌شدگی انسان در برابر مشکلات و چالش‌های زندگی انسان معاصر است. در اندیشه شهید صدر مخلوق بودن انسان و آویختگی او سبب معناداری زندگی او شده و موجب آن می‌گردد که انسان دارای از یک نظام معرفتی درونی و نهادهای اخلاقی نفسانی برخوردار باشد و از همین منظر خود مسئول در برابر اعمال و رفتارش می‌داند.

منابع

- (۱) قرآن کریم.
- (۲) احمدی، بابک (۱۳۸۴)، سارتر که می‌نوشت، تهران: انتشارات مرکز، چاپ سوم.
- (۳) احمدیانی مقدم، سید امین‌الله (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی آزادی و مسئولیت از دیدگاه آیه الله مصباح و ژان پل سارتر»، معرفت، سال بیست و ششم، شماره ۲۴۳، ۲۷ الی ۴۰.
- (۴) آزادمنش، سعید (۱۳۹۷)، «ماهیت و قلمرو مسئولیت انسان از دیدگاه سارتر و رویکرد اسلامی عمل»، مجله فلسفه تربیت، سال اول، شماره ۴، ۱۳۳ الی ۱۶۱.
- (۵) جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۸)، «خلافت عمومی انسان در اندیشه سیاسی شهید صدر»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۱، ۱۵۱ الی ۱۸۱.
- (۶) خاتمی، محمود (۱۳۹۱)، مدخل فلسفه غربی معاصر، تهران: انتشارات علم، چاپ دوم.
- (۷) صدر، سید محمدباقر (۱۳۶۹)، سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، حسین منوچهری، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول.
- (۸) صدر، سید محمدباقر (۱۳۵۸ الف)، لمحۀ فقهیۀ تمهیدیۀ، تهران: انتشارات جهاد البناء قسم العلاقات الخارجیۀ، چاپ اول.
- (۹) صدر، سید محمدباقر (۱۳۵۸) نهادهای اقتصادی اسلام، غلامرضا بیات و فخرالدین شوشتری، تهران: انتشارات بدر، چاپ اول.
- (۱۰) صدر، سید محمدباقر (۱۳۵۸ ق الف)، خلافة الانسان وشهادة الانبياء، تهران: انتشارات جهاد البناء قسم العلاقات الخارجیۀ، چاپ اول.
- (۱۱) صدر، سید محمدباقر (۱۳۵۹) خلافت انسان و گواهی پیامبران، سید جمال موسوی، تهران: روزبه، چاپ اول.
- (۱۲) صدر، سید محمدباقر (۱۳۸۷)، اقتصادنا، قم: انتشارات بوستان کتاب، چاپ سوم.
- (۱۳) صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۹ ق ب)، صورة عن اقتصاد المجتمع الاسلامی، تهران: جهاد البناء، چاپ اول.
- (۱۴) صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۱ ق) الفتاوى الواضحة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول.
- (۱۵) صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۸ ق)، فلسفتنا، قم: المجمع العلمی للشهید صدر، چاپ اول.
- (۱۶) صدر، سید محمدباقر (بی-تا الف)، الاسلام يقود الحیاء، تهران: انتشارات وزارت الارشاد الاسلامی - الجمهوریة الاسلامیة فی ایران.

ارزیابی انتقادی دیدگاه سارتر درباره مسئولیت انسان از منظر شهید صدر/نیکزاد، رجبی و هاشمی

۱۷) صدر، سید محمدباقر (بی-تا ب)، سنت‌های تاریخ در قرآن (تفسیر موضوعی)، سیدجمال موسوی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۱۸) صدر، سید محمدباقر (بی-تا ج)، منابع القدرة فی الدولة الاسلامیة، تهران: جهاد البناء.

۱۹) صدر، سید محمدباقر (بی-تا د)، المدرسة القرانیة، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

۲۰) علوی تبار، هدایت (۱۳۸۴)، «ردّ واجب الوجود در فلسفه سارتر»، حکمت و فلسفه، سال اول، شماره دوم، ۳۹ الی ۴۸.

۲۱) فضل‌الله، سید محمدحسین (۱۳۸۶)، «شهید صدر در بستر اندیشه و عمل»، شاهد یاران، شماره ۱۸، ۱۳ الی ۱۴.

۲۲) قمی، محسن (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی آزادی از دیدگاه شهید مطهری و ژان پل سارتر»، آیین حکمت، سال هشتم، شماره بیست و نهم، ۱۴۹ الی ۱۷۷.

۲۳) گرامی، غلامحسین (۱۳۸۸)، «بررسی و نقد دیدگاه سارتر درباره ماهیت انسان»، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال پنجم، شماره شانزدهم، ۷۹ الی ۱۰۶.

۲۴) ملکیان، مصطفی (۱۳۷۹)، تاریخ فلسفه غرب، تهران: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.

۲۵) نقیب زاده، میرعبدالحسین (۱۳۹۰)، نگاهی به نگرش فلسفی سده بیستم، تهران: انتشارات طهوری، چاپ دوم.

۲۶) یوسفی، علی (۱۳۹۰)، بررسی و نقد انسان محوری الحادی از نظر نهج البلاغه، عباس ایزد پناه، دانشکده الهیات، دانشگاه قم.

27) Matthews, Eric (1999). *French Philosophy in the 20th Century*. Translated by Mohsen Hakimi. Tehran: Qoqnoos Publishing, 1st edition. [Original:

28) Strathern, Paul (2000). *Understanding Sartre*. Translated by Zahra Arin. Tehran: Markaz Publishing, 1st edition. [Original:

29) Azad Manesh, Saeed (2018). "The Nature and Scope of Human Responsibility from Sartre's Perspective and Islamic Approach". *Journal of Philosophy of Education*, 1(4), 133-161. [Original:

30) Blackham, Harold John (2003). *Six Existentialist Thinkers*. Translated by Mohsen Hakimi. Tehran: Markaz Publishing, 1st edition. [Original:

31) Thomas, Henry (2003). *Great Philosophers*. Translated by Fereydoun Badrei. Tehran: Scientific and Cultural Publications, 3rd edition. [Original:

32) De Beauvoir, Simone (2010). *Adieux: A Farewell to Sartre*. Translated by Hamed Fouladvand. Tehran: Jami Publishing, 3rd edition. [Original:](

- 33) Sartre, Jean-Paul (1972). *The Devil and the Good Lord*. Translated by Abolhasan Najafi. Tehran: Nil Publishing, 1st edition. [Original:
- 34) Sartre, Jean-Paul (1982). *Existentialism and Humanism*. Translated by Mostafa Rahimi. Tehran: Morvarid Publishing, 8th edition. [Original:
- 35) Sartre, Jean-Paul (2004). *Nausea*. Translated by Amir Jalal al-Din Alam. Tehran: Niloufar Publishing, 3rd edition. [Original:
- 36) Sartre, Jean-Paul (2008). *The Flies*. Translated by Mehdi Roshanzadeh. Tehran: Sales Publishing, 5th edition. [Original:
- 37) Sartre, Jean-Paul (2018). *The Freud Scenario*. Translated by Ghasem Roubin. Tehran: Nahid Publishing, 3rd edition. [Original:
- 38) Sartre, Jean-Paul (n.d.). *Being and Nothingness*. Translated by Enayatollah Shakibapour. n.p.: Shahryar Publications. [Original:
- 39) Sartre, Jean-Paul (2009). *No Exit*. Translated by Bahram Esmailiyou. Tehran: Rouzbehan Publishing, 6th edition. [Original:
- 40) Copleston, Frederick (2007). *A History of Philosophy: From the French Enlightenment to Sartre*. Translated by Abdolhossein Azarang. Tehran: Scientific and Cultural Publications, 2nd edition. [Original:
- 41) Macquarrie, John (2010). *Existentialism*. Translated by Mohammad Saeed Kashani. Tehran: Hermes Publishing, 3rd edition. [Original:

یادداشت‌ها:

-
۱. بررسی تطبیقی «آزادی» و «مسئولیت» از دیدگاه آیت الله مصباح و ژان پل سارتر، سید امین الله احمدیانی مقدم محمود نمازی، معرفت سال بیست و ششم اسفند ۱۳۹۶ شماره ۲۴۳ «ویژه فلسفه»
۲. بررسی و نقد دیدگاه سارتر درباره ماهیت انسان، گرامی غلامحسین، اندیشه نوین دینی، بهار ۱۳۸۸، دوره ۵، شماره ۱۶؛ از صفحه ۷۷ تا صفحه ۱۰۴.
۳. ماهیت و قلمرو مسئولیت انسان از دیدگاه سارتر و رویکرد اسلامی عمل، آزادمنش سعید، فلسفه تربیت، بهار و تابستان ۱۳۹۷، دوره ۳، شماره ۱؛ از صفحه ۱۳۳ تا صفحه ۱۶۱.
۴. بررسی تطبیقی آزادی از دیدگاه شهید مطهری و ژان پل سارتر، محسن قمی میرزاعلی کتابی، آیین حکمت سال هشتم پاییز ۱۳۹۵ شماره ۲۹، از صفحه ۱۴۹ الی ۱۷۷.
۵. نظریه خلافت عمومی انسان ۱ در اندیشه سیاسی سید محمد باقر صدر (ره)، محمدحسین جمشیدی، حکومت اسلامی ۱۳۷۸ شماره ۱۱، از صفحه ۱۵۱ تا ۱۸۱.

6. Engagement

7. Nothingness

A critical evaluation of Sartre's view on human responsibility from the perspective of Martyr Sadr

Mohammadebrahim Nikzad¹

Receipt: 24/05/2025

Acceptance: 14/06/2025

Abuzar Rajabi²

SayyedMorteza Hashemi³

Abstract

The analysis of human responsibility within schools of thought that primarily focus on the study of human nature has been a common subject of inquiry, with thinkers of these schools paying serious attention to this important matter. In the philosophical school of existentialism - whether of theistic or atheistic varieties - human responsibility is addressed within the framework of humanistic acceptance. On the other hand, in Islamic thought, both in religious texts and their interpretive understandings by Muslim scholars, human dignity and attention to the dimensions of human existence hold a special position. It is in this light that human responsibility takes on particular dimensions. The fundamental differences between Islamic thought and existentialism regarding human responsibility led us to evaluate the perspective of one of existentialism's prominent thinkers, namely Sartre. Among Islamic scholars, Shahid Sadr served as our focal point, and the critical analysis was conducted by extracting insights from his works in contrast to Sartre's ideas across three levels: ontological, anthropological, and practical ethics. The main findings of this descriptive-analytical research demonstrate that while both thinkers emphasize human responsibility, their foundational premises and resulting conclusions differ substantially. Sartre views humans as beings "thrown into" a godless world of absolute freedom, whereas Shahid Sadr interprets humans within a monotheistic system as vicegerents of God. The created nature of humans and their inherent connection to the Divine give meaning to human existence and endow them with an internal epistemological system and innate ethical faculties. It is precisely from this perspective that humans understand themselves as accountable for their actions and behavior.

Keywords

Responsibility .Sartre .Sadr .Existentialism .Caliphate

1- Department of Islamic Studies (Islamic Revolution), Faculty of Islamic Revolution Studies, Islamic Education University, Qom, Iran. (Corresponding Author) Me_nikzad@yahoo.com

2- Department of Theoretical Foundations of Islam, Faculty of Islamic Studies, Islamic Education University, Qom, Iran. rajabi@maaref.ac.ir

3- Department of Theoretical Foundations of Islam, Faculty of Islamic Studies, Islamic Education University, Qom, Iran. seied.morteza.hashemi222@gmail.com